

پرتویی نو بر اندیشه سیاسی اسلام نقد کتاب «تاریخ اندیشه سیاسی در اسلام»

عباس خلجی*

چکیده

این مقاله با رویکردی انتقادی در باره کتاب تاریخ اندیشه سیاسی در اسلام نوشته شده است. اثری که مرجع محققان و دانشجویان رشته‌های تاریخ و علوم سیاسی است. نگارنده مقاله ابعاد شکلی، روشی، نظری و محتوای علمی کتاب را معرفی و آنها را در بوته نقد نهاده است تا میزان شایستگی تخصصی آن را برای مطالعه و تدریس درس اندیشه سیاسی در اسلام و ایران مشخص نموده و عیار آن را برای مخاطبان دانشگاهی روشن کند. این کتاب دارای برخی ویژگی‌های مثبت است. اما در ابعاد گوناگون شکلی، روشی، نظری و علمی کاستی‌هایی دارد که توصیه می‌شود در چاپ‌های بعدی برطرف گردد و متنی پیراسته و شایسته در اختیار مخاطبان، دانشجویان و محققان قرار گیرد.

کلیدواژه‌ها: پاتریشیا کرون، سیاست، حکومت، اندیشه سیاسی، اندیشه سیاسی اسلام.

۱. مقدمه

سیاست در تاریخ اجتماعی بشر از جایگاه والایی برخوردار بوده و نقش و اهمیت آن همواره فزونی یافته است. دانش سیاسی نیز جایگاهی فراتر پیدا کرده است. در سخنی منسوب به ارسطو «علم سیاست را ارباب علوم نامیده‌اند.» (عالم، ۱۳۷۳، ۱۷) این سخن امروزه گراف تلقی می‌شود. ولی چندان دور از حقیقت نیست. چون وظیفه علم سیاست شناخت سیاست است و سیاست با همه جنبه‌های زندگی اجتماعی بشر پیوند دارد. بنابراین، علم سیاست با همه علوم بشری ارتباط می‌یابد. علومی که هر یک وظیفه شناخت

* استادیار دانشگاه جامع امام حسین (ع)، abbas.khalaji@gmail.com
تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۲/۲۸، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۴/۱۲

یک جنبه از زندگی مادی و معنوی بشر را بر عهده دارند. علم سیاست مانند سایر علوم بشری تحولات بسیاری را تجربه کرده و گرایش‌های تخصصی متعددی یافته است. این گرایش‌های تخصصی بخش خاصی از زندگی سیاسی بشر را مطالعه و تبیین می‌کنند. در این میان، فلسفه سیاسی از پیشینه تاریخی درازی برخوردار است. نخستین بار فلاسفه سیاسی چون سقراط، افلاطون و ارسطو، فلسفه سیاسی را به مثابه یک دیسپلین علمی دقیق به جامعه بشری عرضه کردند تا به تبیین ماهیت قدرت و سیاست پردازد.

پرسش در باره ماهیت سیاست و سیاست‌ورزی، و چپستی، چرایی و چگونگی حکمرانی، گوهر اصلی فلسفه سیاسی است. این گرایش نظری با عنوان اندیشه سیاسی به بخش بنیادی گرایش‌های نظری دانش سیاسی تبدیل شده و با مساعی اندیشمندان آثار و ادبیات سیاسی مهمی را تولید کرده است. (حسینی بهشتی، ۱۳۸۳، شریعت، ۱۳۸۶، منسبریج و دیگران، ۱۳۸۷، آلن، ۱۳۸۸، گلدمن، ۱۳۸۸، آرنست، ۱۳۸۸، تاجیک نشاطیه، ۱۳۹۰، طباطبایی، ۱۳۹۰، برسفورد، ۱۳۹۲، پولادی، ۱۳۹۱ و ۱۳۹۲، بشیریه، ۱۳۹۱، بشیریه، ۱۳۹۲، باریه، ۱۳۹۲، وینسنت، ۱۳۹۲، فولادوند، ۱۳۹۲، قادری، ۱۳۸۹ و ۱۳۹۲، مک کالوم، ۱۳۹۳، و ...) این آثار به منزله گنجینه نظری، فکری و فرهنگی، دگرگونی مبانی فلسفی و سیر تحولات تاریخی این میراث تاریخی را ثبت و ضبط نموده و گوهر اندیشه سیاسی در حوزه سیاست، حکومت، نهادهای سیاسی و ویژگی‌های فرمانروایی سیاسی را معرفی می‌کنند. بدین‌سان، آثار تاریخ اندیشه سیاسی، باعث آگاهی از شیوه‌های اندیشه‌ورزی و سبک‌های زندگی سیاسی پیشینیان می‌شوند.

متأسفانه آثار بومی و متون فارسی اندکی در این حوزه نظری تولید شده و بیشتر کتاب‌های فارسی در باره اندیشه سیاسی غرب با گرت‌برداری از آثار لاتین به نگارش درآمده و بدون هرگونه نوآوری و ابتکاری، چاپ و منتشر شده‌اند. (طاهری و مقصدولو، ۱۳۸۸، صلاحی، ۱۳۹۰، طاهری، ۱۳۹۱، سالاری، ۱۳۹۰، سالاری و دیگران ۱۳۹۲، و ...) البته این ضعف بایستی جبران شود.

۲. درآمد نظری

تاریخ اندیشه سیاسی در اسلام، جایگاه ویژه‌ای در حوزه اندیشه سیاسی در جوامع شرقی و کشورهای اسلامی دارد. زیرا بخش مهمی از تاریخ سیاسی و اجتماعی بشر در گستره اندیشه سیاسی اسلام رقم خورده و در این بستر تاریخی، عصری زرین، فرهنگی ماندگار و

تمدنی پر بار آفریده است. بنابراین، مطالعه مبادی و مبانی و فهم اصول فلسفی و شناخت سیر دگرگونی تاریخی این اندیشه برای پژوهشگران تاریخ اندیشه و اندیشمندان سیاسی از ارزش و اهمیت والایی برخوردار است.

محققان غربی چندین سده است که تاریخ اندیشه سیاسی در اسلام را در چارچوب پارادایم شرق‌شناسی و گفتمان غیریت‌سازی مورد توجه قرار داده و با پژوهش‌های گسترده خود آثار بسیاری در مراکز علمی و پژوهشی غرب تولید و منتشر نموده‌اند. برخی از این آثار به اهتمام مترجمان ایرانی به فارسی برگردانده شده است. (هضیبی، ۱۳۸۳، بلک، ۱۳۸۵، محمصانی، ۱۳۸۶، روزنتال، ۱۳۸۷، حسن، ۱۳۸۹، جانز و لاهود، ۱۳۹۰، تیجانی، ۱۳۹۲، و ...)

نگارش آثار فلسفی و فلسفه سیاسی در تاریخ اسلام و ایران ریشه‌های استواری دارد. نخستین بار فارابی با الهام از آثار فلسفی و سیاسی افلاطون و ارسطو طرحی بدیع از فلسفه سیاسی اسلام و اندیشه سیاسی مسلمانان ترسیم کرد که توسط اخلاف وی پیگیری نشد و با زوال اندیشه‌های سیاسی در اسلام و انحطاط ایران، نگرش فلسفی به زندگی سیاسی و اجتماعی و تلاش فلسفی برای تولید اندیشه سیاسی در ایران به بوته فراموشی سپرده شد. (طباطبایی، ۱۳۸۲ و ۱۳۸۴) پس از مواجهه ایرانیان با غرب و رویارویی سیاسی و نظامی ایران با کشورهای غربی و وجه تکنیکی و دانش تجربی غربیان جذابیت بیشتری برای ایرانیان یافت و در اولویت برنامه و کار دولتمردان و سیاست‌پیشگان ایران قرار گرفت. (بهنام، ۱۳۸۳) با حاکمیت استبداد مدرن در دوران پهلوی، دیگر مجال برای طرح اندیشه سیاسی و توجه به آثار بنیادین اندیشه سیاسی در غرب پیدا نشد.

پیروزی انقلاب اسلامی، از سویی شور اندیشه‌ورزی بومی در باره سیاست و حکومت را برانگیخت و از سوی دیگر بهره‌مندی از آثار و تجربیات ملت‌های جهان را ضروری ساخت. پس نسل جدیدی از دانش‌پژوهان سیاسی و فلسفه سیاسی پدیدار شد که هم اندیشه سیاسی بومی را جدی تلقی می‌کردند و هم در پی ترجمه و بهره‌گیری از آثار بیگانه بودند. به همین دلیل، بخش عمده‌ای از ادبیات سیاسی و اندیشه سیاسی در غرب در همین دوره به زبان فارسی برگردانده شد. این رویکرد علمی - انقلابی با شور و هیجان انقلابی همراه بود و پیامدی منفی در ترجمه آثار غربی داشت. اما در نگاهی منصفانه نمی‌توان نقش این جنبش علمی و فرهنگی را در اعتلای دانش سیاسی در ایران نادیده گرفت. البته توجه اندکی به اندیشه سیاسی در اسلام و سیر تحول و تطور تاریخی آن صورت گرفت. یعنی

هم آثار بومی قابل توجهی به نگارش درنیامد و هم آثار ناچیزی به فارسی برگردانده شد. تنها اثر بومی قابل تامل کتاب ماندگار مرحوم حمید عنایت است که نسخه اصلی آن انگلیسی چاپ و منتشر شده بود و به همت بهاءالدین خرمشاهی به فارسی برگردانده شد. (عنایت، ۱۳۶۲)

بنابراین، بخش عمده آثار فارسی که در حوزه اندیشه سیاسی اسلام و ایران در دسترس قرار دارد، تحت تأثیر گفتمان شرق‌شناسانه و رویکردهای نظری و روش‌شناسی پوزیتیویستی به نگارش درآمده و الگوی نظری و چارچوب تحلیلی اروین روزنتال در کتاب **اندیشه‌ی سیاسی اسلام در سده‌های میانه** به مثابه الگوی آرمانی برای نگارش آثار فارسی به کار رفته است. (روزنتال، ۱۳۸۷) با این وجود، توسعه کمی و کیفی و گستره تاثیرگذاری آثار فارسی در حوزه اندیشه سیاسی اسلام و ایران را نمی‌توان نادیده گرفت. (میراحمدی، ۱۳۸۱، نجفی، ۱۳۸۱، ستوده، ۱۳۸۲، خراسانی، ۱۳۸۳، حاتمی، ۱۳۸۶، عمید زنجانی، ۱۳۸۴ و ۱۳۹۰، حقیقی، ۱۳۸۵، روزبه، ۱۳۸۵، عنایت، ۱۳۶۲ و ۱۳۸۵، قادری، ۱۳۸۶، موسوی، ۱۳۸۷ و ۱۳۹۱، شریعتمدار، ۱۳۸۷، فیرحی، ۱۳۸۷ و ۱۳۸۶، علیخانی، ۱۳۸۸ و ۱۳۸۷، حلبی، ۱۳۸۸، شمس‌الدینی، ۱۳۸۹، حقیقت، ۱۳۸۹، روحانی، ۱۳۸۹، فتحعلی، ۱۳۹۰، رضایی‌راد، ۱۳۹۰، میرموسوی، ۱۳۹۲، و ...)

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، رویکرد مترجمان نسبت به برگردان آثار غربی در حوزه اندیشه سیاسی اسلام رشد کرد و آثار بسیاری چاپ و منتشر شد. نگارنده برخی از این آثار را در قالب مقالات مروری معرفی نموده (خلجی، ۱۳۸۶) و برخی دیگر را در قالب مقالات انتقادی به محک آزمون نقد و بررسی علمی نهاده است. (خلجی، ۱۳۸۹) اینک یکی دیگر از آثار دانشگاهی که رویکردی نقادانه نسبت به تاریخ اندیشه سیاسی در اسلام دارد (کرون، ۱۳۸۹)، معرفی و در معرض نقد و ارزیابی قرار می‌گیرد تا عیار علمی آن روشن شود.

۳. گفتار اول: معرفی کتاب

پس از شناسنامه، فهرست مطالب کتاب آمده است. علاوه بر پیش‌گفتار مترجم (فارسی)، پیش‌گفتار مؤلف برای ترجمه فارسی و مقدمه، در چهار بخش جداگانه سامان یافته است. فصل نخست، در قالب بخش نخست، با عنوان سرآغاز عرضه گردیده است. بخش دوم یا افول سنت قبیله‌ای هشت فصل را در بر می‌گیرد که فصل‌های چهارم تا یازدهم می‌باشند. فصل‌های دوازدهم تا شانزدهم، یعنی پنج فصل در چارچوب بخش سوم با عنوان سازگاری

با جهانی از هم گسیخته، صورت‌بندی شده‌اند. واپسین بخش کتاب، بخش چهارم است که حکومت و جامعه نام دارد و شش فصل پایانی را شامل می‌شود. از عنوان این بخش پیداست که رویکرد تحلیلی و تبیینی اثر در فصل‌های هفدهم تا بیست و دوم کتاب نهفته است. بخش پیوست نیز شامل نمودارهای یازده‌گانه‌ای است که به تبارشناسی امت اسلامی از چشم‌اندازهای گوناگون (اموی و شیعی) و خاندان‌های هاشمی، علوی، عباسی و فرقه‌های گوناگون شیعی و اهل سنت می‌پردازد. در نمودار پایانی کتاب سال شمار رویدادهای مهم تاریخ اندیشه سیاسی اسلام را ترسیم می‌نماید. این نمودارها چشم‌اندازی روشن و افق تاریخی بلندی در برابر خوانندگان و علاقمندان می‌گشایند و در تفهیم مطالب نقشی روشنگرانه ایفا می‌نمایند. کتاب‌شناسی با گردآوری و معرفی منابع فارسی، عربی و لاتین (انگلیسی) که مترجم فرنگی نامیده است، منبع پژوهشی بسیار غنی و درخور تأملی تدارک دیده است. این فهرست به نگارش کتاب کمک شایانی نموده و برای کاربران، علاقمندان و پژوهشگران حوزه اندیشه سیاسی در اسلام نیز قابل استفاده است. نمایه پیوستی بسیار دقیق و غنی تدوین شده است.

پیش‌گفتار مترجم با دسته‌بندی آثار علوم انسانی، کتاب را در زمره آثار دسته سوم معرفی می‌کند که راهی میانه در پیش گرفته و در عین وفاداری به اصول و مبانی آثار دانشگاهی و تحقیقی، خالی از تحلیل و ترکیب نظری و نتیجه‌گیری‌های مقایسه‌ای جذاب نیست. زیرا اصولاً برای اهل تفکر و نظر و متخصصان اندیشه سیاسی در اسلام و کارشناسان دانشگاهی نوشته شده است. «این کتاب روایتی است تحلیلی از مسیر تحول اندیشه سیاسی در تمدن اسلامی از آغاز تا حمله مغول.» (کرون، ۱۳۸۹، ۱۷) وی با اشراف به منابع اصلی و دست دوم، اثری روشمند و دانشگاهی پدید آورده و تحلیل‌های تازه و نتیجه‌گیری‌های بدیع ارایه می‌دهد. او مفاهیم انتزاعی و عقاید ذهنی را در بافت و موقعیت تاریخی خودشان قرار داده و به آن‌ها کیفیتی عینی و انضمامی بخشیده است.

نویسنده انبوهی از داده‌های تاریخی، فلسفی، کلامی و فقهی را فراهم آورده است. اما به دلیل فقدان شناخت دقیق، کامل و درست از مبانی شریعت اسلام و حقیقت ناب مکتب تشیع، در مواردی گوناگونی تحلیل‌های تاریخی و نتیجه‌گیری‌های نظری وی با دیدگاه‌های رایج علمای اسلامی و اندیشه‌های بومی جهان اسلام سازگار نیست و بنابراین، قابل نقد و رد است.

پیش‌گفتار مؤلف بنا به تقاضای مترجم به نگارش درآمده است. نویسنده بر این باور است که کتاب در درجه نخست برای مخاطبان غربی نوشته شده است و اگر برای مخاطبان ایرانی و مسلمان به نگارش درمی‌آمد - بی آن که محتوایش تغییر کند - از برخی جهات ارتباط با آن آسانتر می‌شد. «هدف اصلی کتاب این بوده است که درک مفاهیم بنیادین اندیشه سیاسی مرسوم در تمدن اسلامی را برای دانشجویان و علاقه‌مندان این حوزه و محققان حوزه‌های نزدیک به آن آسان گرداند.» (کرون، ۱۳۸۹، ۲۳) مؤلف کتاب مورخ است و دغدغه اصلی وی فهم گذشته می‌باشد. البته آن چنان که بوده نه آن چنان که امروزه می‌نگریم یا دوست داریم. «تاریخ نگار می‌خواهد بفهمد که پدیده‌ها چگونه در طول زمان تحول یافته‌اند.» (کرون، ۱۳۸۹، ۲۴) بنابراین، وی مسایل و پدیده‌های تاریخی در پرتو تجربه امروزین نمی‌بیند و برای فهم تاریخ گذشته در جوامع اسلامی، عقاید و دیدگاه‌های امروزین خود را دخالت نمی‌دهد. زیرا مردم در دوران کهن دیدگاه‌های متفاوتی داشته‌اند. در حالی که مدرنیته پیش‌فرض‌های امروزین را به کلی تغییر داده است. به نظر کرون، برخی واکنش‌های منفی در جهان اسلام نسبت به کتاب وجود دارد که به این نکات توجه نکرده و گفته‌اند: «این کتاب به آموزه‌های حقیقی اسلام چنان که باید توجه نداشته است.» (کرون، ۱۳۸۹، ۲۵-۲۶) در حالی که این واکنش‌ها بیانگر دیدگاه گروهی از مسلمانان در دوره‌ای از تاریخ است و نه آموزه‌های حقیقی اسلام. مثلاً علاوه بر مسأله زنان، برده‌داری در اسلام نیز مهم است و «به لحاظ تاریخی الغای بردگی پدیده‌ای کاملاً مدرن است که در دوران کهن قابل تصور نبوده است.» (کرون، ۱۳۸۹، ۲۶) بردگی برای مسلمانان واقعیتی انکارناپذیر همچون فقر و بیماری بود. به نظر وی مترجم متنی پیراسته از متن انگلیسی فراهم ساخته است.

او در مقدمه یادآور می‌شود که اندیشه سیاسی به موضوع قدرت می‌پردازد و جنبه تجویزی دارد. کامل‌ترین نمود قدرت در نهاد دولت مشاهده می‌شود و همواره به کارگیری زور رایج‌ترین شیوه‌ای بوده که دولت با اتکال به آن استقرار می‌یافته است. مذهب نیز به استقرار دولت کمک می‌کرده و گاه مهمترین منبع پی‌ریزی سامانی فراتر از سطح محلی و خویشاوندی بوده است. «مذهب در جهان اسلام از همان آغاز منشاء و خاستگاه دولت هم بوده است.» (کرون، ۱۳۸۹، ۳۰) همواره قدرت و سیاست با زمینه تاریخی و اجتماعی خود پیوند دارند. بر این مبنا، قدرت و سیاست در قلمرو اسلام بر مبانی خاصی استوار است که

برای بیگانگان تازگی دارد و قلمرویی ناآشنا و رازآلود تلقی می‌شود. اما تلاش می‌شود که این کتاب برای همگان قابل فهم باشد.

نویسنده یادآور می‌شود که به نظر مسلمانان اولیه، بهترین جامعه بر مبنای دین بنا و اداره می‌شود. عالی‌ترین جلوه تعالی عبارت از اعتقاد به خدا (توحید) و جهان دیگر (معاد) است. نماینده خدا به عنوان رهبر جامعه حکومت می‌کند. «دین و حیانی، پیش و بیش از هر چیز، به علایق و روابط جمعی انسان‌ها توجه دارد.» (کرون، ۱۳۸۹، ۶۵۶) دین به جز بعد سیاسی و اجتماعی ابعاد دیگری نیز دارد و خدا با علایق و مسایل جمعی، نظم و سامان اجتماعی مسلمانان پیوند دارد. اموال عمومی متعلق به خداست و از آن مؤمنان است. حقوق الله تعهداتی است که مسلمانان در قبال خدا و جامعه اسلامی دارند. این تعهدات به وسیله حکومت تنظیم و اداره می‌شوند. امام یا خلیفه هم نماینده مردم و هم جانشین تلقی می‌شود. با توسل به خدا می‌توان نوعی سپهر عمومی پدید آورد. پیامبر با توسل به خدا، نوعی حوزه عمومی را در مدینه شکل داد. در تمدن اسلامی شخص برگزیده‌ای وجود نداشت که قدرت خداوند به او تفویض شده باشد. در شرایط جدید، علما و وظیفه ارشاد و هدایت مردم را بر عهده داشتند و خلیفه ظاهری قدرت را در دست داشت. همین قدرت در نهایت به شاهان و حاکمان محلی رسید. «با این حال، در هر دو تمدن [مسیحی و اسلام] هم شمشیر و هم کتاب همچنان از آن خدا باقی ماند.» (کرون، ۱۳۸۹، ۶۵۸) خلفا حاکمانی زمینی بودند که نقشی دینی ایفا می‌کردند. بدین ترتیب، اگر این کتاب صرفاً به قلمرو اقتدار و حاکمیت شاهان و حاکمان توجه کند، ناقص بوده و باید به همه کسانی توجه کند که بدون اقتدار سیاسی و نظامی پیروان خود را اداره می‌کردند یا خواهان چنین کاری بودند: روحانیون، علمای دینی، مشایخ صوفیه، فلاسفه، اولیا و قدیسیں که بیشتر آن‌ها گرایش سیاسی داشتند. اگر حیات اجتماعی شامل سه حوزه دین، حکومت و جامعه تلقی شود، تاریخ اسلام با هویتی کامل و یکپارچه و در حالی آغاز می‌شود که دین هر سه قلمرو را در اختیار دارد. میان این سه قلمرو نوعی همسانی وجود دارد و عملاً جامعه و حکومت از درون دین نشأت می‌گیرند: مدینه. اما این سه حوزه به تدریج از یکدیگر فاصله گرفتند.

۴. گفتار دوم: نقد کتاب

۱.۴ ویژگی‌های تمایزبخش و مثبت کتاب

این کتاب از ویژگی‌های مثبت‌خوردار است و توجه بسیاری از منتقدان را جلب کرده است. زارع نگارش اثری در باره اندیشه سیاسی اسلام را جذاب و ماجراجویانه ارزیابی کرده است. جذابیت آن مدیون همزیستی دیانت و عقلانیت در تمدن اسلامی است. جنبه ماجراجویی آن نیز ناشی از برخورد اهل دین با اهل فلسفه می‌باشد. مطالعه این کتاب هم تجربه‌ای لذت‌بخش است. نویسنده به سبب آشنایی با منابع فلسفی، آبخورهای فکری و فضای تمدنی اسلام، سیمای عمومی تاریخ اندیشه سیاسی در اسلام را بسیار دقیق، واقع‌گرایانه و به دور از هر گونه خیال‌پردازی و قابل اعتماد ترسیم کرده است. (زارع، ۱۳۹۰) به نظر بستانی، کتاب کرون در مقایسه با کتاب بلک، «اثری استادانه و کم‌نظیر است که بی‌شک نقطه عطفی مهم در حوزه پژوهشی اندیشه سیاسی در اسلام میانه به شمار می‌آید و می‌تواند برای خواننده ایرانی بسیار مفید باشد.» (بستانی، ۱۳۹۰)

زارع تسلط شگفت‌انگیز کرون به ابعاد مختلف فکری و جامعه‌شناختی فرق و مذاهب گوناگون اسلامی را یکی از مهمترین جنبه‌های تمایزبخش کتابش از همتایان غربی وی می‌داند. به گونه‌ای که او را بر صدر آثار پیشین در حوزه اندیشه سیاسی اسلام، نظیر بلک و روزنتال می‌نشانند. بستانی با تأکید بر ضعف‌های آثار پیشین، به ویژه آثار بلک و مونتگمری، به برجسته‌سازی نقاط قوت این کتاب می‌پردازد. از دیدگاه زارع، تمایز دیگر اثر کرون تلاش در جهت اعراض از تمایلات شرق‌شناسانه است. در حالی که زارع در ادامه یادداشتش بر رویکرد شرق‌شناسانه کرون تأکید می‌ورزد. به نظر نگارنده این مقاله هم کرون در این مسیر موفق نبوده است و دلایل آن در بخش انتقادی گفتار دوم ارایه می‌گردد.

یکی از تفاوت‌های کرون با سایر اسلام‌شناسان غربی در تسلط وی بر تاریخ و منابع تاریخی اسلام است. او رویکرد جامعه‌شناسی تاریخی را برگزیده تا تحول اندیشه سیاسی در جهان اسلام را در بستر تاریخ اسلام و تحول جامعه‌شناختی آن تحلیل نماید. پس تاریخ اندیشه سیاسی در اسلام و ریشه‌های تاریخی - فرهنگی آن در صدر اسلام را تحت عنوان ریشه‌یابی تاریخی سیاست و حکومت در اسلام از حضرت آدم تا کنون بررسی می‌نماید. البته فقط تحولات تاریخی اندیشه سیاسی در اسلام شش قرن پس از ظهور اسلام، یعنی هنگامه هجوم مغولان به ایران و سایر قلمرو جهان اسلام را واکاوی می‌کند. (کرون، ۱۳۸۹،

(۶۶۱) بنابراین، تجزیه و تحلیل تاریخ اندیشه سیاسی در اسلام در چارچوب رهیافت تاریخ تحلیلی صورت گرفته و در بستر آن تاریخ اندیشه در پود تاریخ در هم تنیده شده است. تلاش نویسنده در رعایت بی طرفی علمی در بررسی وقایع تاریخی و دگرگونی افکار و اندیشه‌های رایج در دوران تاریخی گوناگون قابل ذکر است. نویسنده در تشریح بی طرفانه چگونگی تشکیل فرقه‌های مختلف اسلامی در صدر اسلام تقریباً کامیاب بوده است. ویژگی دیگر رویکرد رادیکال نویسنده در ارائه تصویری عرفی از تاریخ اسلام است. اما استنادات وی به احادیث و روایاتی که چندان مورد تأیید گفتمان رسمی نیست و به مذاق مدافعان و پیروان این گفتمان خوش نخواهد آمد، برای خوانندگان فارسی زبان تازگی دارد و آن‌ها را در کمتر اثر بومی می‌توان یافت.

به طور کلی، محتوای کتاب حاوی این ویژگی اساسی است که خوانندگان را از زاویه دیگری با تاریخ اندیشه سیاسی در اسلام و سیر تحول تاریخی آن آشنا می‌سازد. در این فرایند، افکار و اندیشه‌های رایج را با پرسش‌های بنیادی و داده‌های مشهور و پیشین آن‌ها را با چالش‌های اساسی مواجه می‌سازد. بدین سان، اصولاً بینش تاریخی و نگرش فلسفی خوانندگان نسبت به تاریخ اندیشه سیاسی در اسلام را به چالش می‌کشد.

وی تقابل کنونی عرفی‌گرایی و بنیادگرایی را در آینه تحولات آینده جهان اسلام پیش‌بینی می‌کند. (کرون، ۱۳۸۹، ۶۶۵-۶۶۳) این پیش‌بینی در حال تعبیر و تفسیر عینی است. وی گاهی تفاسیر بدیعی ارائه داده است که برای خوانندگان و مخاطبان کتاب جالب توجه و قابل تأمل است. مثلاً وی با درک جایگاه رفیع فقه و فقاہت در شرایط کنونی جوامع اسلامی و نقش فقهای برجسته و علمای بصیر در تداوم و استمرار روح اسلامیت و بازتولید آموزه‌های اسلامی، تفسیری جالب توجه و تاریخی از حکم اعدام سلمان رشدی به وسیله امام خمینی ارائه نموده است. از این دیدگاه، حکم و رأی مهدورالدم بودن مرتدان و ناسزاگویان به پیامبر و امامان پیشاپیش و به طور کلی توسط فقهای مسلمان صادر شده است. بنابراین، مفتیان و مجریان معاصر به میل خود چنین نمی‌کنند.

به عبارت دیگر، این افراد مردمانی عادی بودند که با اتکا به اقتدار معنوی فقها دست به عمل می‌زدند. این نقشی است که فقهای شیعه و سنی به یک اندازه مؤمنان را به ایفای آن ترغیب می‌کرده‌اند. (کرون، ۱۳۸۹، ۴۹۴)

۵. رویکرد انتقادی و کاستی‌های محتوایی کتاب

به رغم جذابیت‌های نظری و ارزش‌های محتوایی کتاب، نگاه انتقادی کاستی‌های آن را برجسته می‌سازد. نخست، تلاش نویسنده در جهت اعراض از تمایلات شرق‌شناسانه، سیطره گفتمان شرق‌شناسی بر رهیافت روشی و رویکرد نظری نویسنده آشکار است و در جای جای کتاب بازتاب یافته است. نویسنده می‌کوشد خود را از چنبره این گفتمان دگرساز رها سازد؛ اما رهایی از قید و بندهای آن ممکن نبوده است. به همین دلیل، گفتمان شرق‌شناسی به مثابه روح حاکم بر طرح پژوهشی تلقی می‌شود که شیوه نگارش کتاب را - از گزینش روش و صورت‌بندی چارچوب نظری تا گردآوری داده‌ها و گزینش بخشی از منابع و نادیده‌انگاشتن بخشی دیگر از منابع و تجزیه و تحلیل و تبیین و استنتاج نتایج و نظریه‌پردازی نهایی در ساختار کلان، سامان پژوهش، چارچوب نظری، مدل مفهومی، روش‌شناسی و روش تحقیق و شیوه تجزیه و تحلیل و تبیین علمی موضوع و پیامدهای نظری آن - در بستر این گفتمان شکل داده و کلیات متن را تحت تأثیر قرار داده است. بدین سان، این کتاب همانند هم‌تایان غربی خویش، در چنبره گفتمان ایدئولوژیک شرق‌شناسی گرفتار است و اسلام را به مثابه یک غیریت تاریخی برای اروپای مسیحی و جهان غرب تلقی و به مخاطبان معرفی می‌نماید. به همین دلیل، تحولات تاریخی اندیشه سیاسی در اسلام را به مثابه بخشی از پدیده‌های تاریخی دگرسازانه غرب و در آینه تحولات تاریخ اندیشه سیاسی در اروپای مسیحی مشاهده می‌نماید و در این چارچوب به تجزیه و تحلیل و تبیین علل و عوامل جامعه‌شناختی و تاریخی آن می‌پردازد.

نویسنده در پیشگفتار کتاب به صراحت می‌گوید که این کتاب را برای مخاطبان و علاقه‌مندان غربی به نگارش در آورده و اگر می‌خواست آن را برای جوامع اسلامی و مخاطبان مسلمان و به ویژه ایرانیان بنویسد، شیوه دیگری برای نگارش انتخاب می‌کرد تا امکان ارتباط مخاطبان ایرانی با آن بیشتر و بهتر فراهم شود. در حالی که نویسنده این نکات را نادیده می‌گیرد که آیا حقایق نظری، واقعیات تاریخی و عناصر فکری و شیوه بررسی، تجزیه و تحلیل و تبیین موضوعات گوناگون تاریخی و فلسفی و اندیشه سیاسی برای جوامع مختلف بشری و به ویژه برای غربیان و شرقیان و اروپائیان و ایرانیان و مسیحیان و مسلمانان، تفاوت دارد. همین اشارات آشکار نویسنده رویکرد شرق‌شناسانه اثر را برملا می‌سازد.

وی تاریخ اندیشه سیاسی در اسلام را در چارچوب تحولات جامعه‌شناختی اندیشه سیاسی در اروپای مسیحی بررسی و تبیین می‌کند. تشبیه جامعه اسلامی به جوامع مسیحی غرب، به ویژه در اروپای غربی که فرایند تحولات سیاسی و اجتماعی تدریجی آن به جدایی دین و دولت و مذهب و سیاست منجر گردید، چندان قیاس مقبولی نیست. زیرا نویسنده دگرگونی نهادهای مذهبی در جامعه اسلامی را با دگردیدی نهادهای دینی چون کلیسا در غرب مسیحی مقایسه می‌نماید و تحولات تاریخی در جامعه و اندیشه اسلامی را در پرتو تحولات جهان مسیحیت در سده‌های میانه بررسی و تبیین می‌کند. در حالی که میان شرایط تاریخی و عوامل جامعه‌شناختی جهان اسلام و جوامع مسلمان از یک طرف و شرایط تاریخی و موقعیت سیاسی و اجتماعی جهان مسیحیت و جوامع مسیحی در اروپای غربی از طرف دیگر، تفاوت فاحشی وجود دارد. به ویژه جوامع اسلامی هیچگاه حاکمیت مطلق یک نهاد دینی چون کلیسای مسیحی را تجربه نکرده‌اند. بنابراین، از گزند تعصبات دینی ارباب کلیسا و پیامدهای حاکمیت کلیسا و پدیده تفتیش عقاید آن مصون مانده‌اند. (کرون، ۱۳۸۹، ۶۶۲)

مقایسه دیگری نیز قابل نقد است. نویسنده تداوم و گسست در سلسله‌های حکومتی در اروپا و ایران را مقایسه می‌نماید؛ بدون آن که منطق نظری خاصی میان این مطالعه تطبیقی وجود داشته باشد. تأکید وی بر گسست‌های پی در پی در تاریخ ایران، این بخش از کتاب را شبیه آثار محمدعلی همایون کاتوزیان می‌سازد و یادآور نظریه جامعه کوتاه‌مدت و جامعه گلنگی وی می‌باشد؛ بدون آن‌که ارجاع یا استنادی به آثار وی شده باشد. (کرون، ۱۳۸۹، ۶۶۲)

نویسنده مسلمانان صدر اسلام را به مثابه مسلمانان دوران کهن معرفی می‌کند. بدون آن که مبنای نظری و معیار علمی خاصی این تفکیک و نامگذاری را مشخص و تبیین نماید. وی همچنین تحلیلی غیر واقعی از جایگاه تاریخی سه جریان فکری مهم در یونان باستان، یعنی کلیان، رواقیان و شکاکان ارایه داده و آبخور فکری آن‌ها را به دوران پیش از سقراط نسبت داده است. در حالی که به لحاظ جامعه‌شناختی این سه جریان فلسفی «خوش باش» پس از افول جریان تجربی و عقل‌گرای ارسطویی و وقوع بحران‌های سیاسی و اجتماعی یونان باستان رشد یافتند.

کرون مانند بلک و روزنتال، پژوهش خود را در آستانه عصر تهاجم مغولان به ایران متوقف می‌سازد و به تحولات فکری و فلسفی در جهان اسلام و ایران، به ویژه در دوره

صفوی نمی‌پردازد؛ دورنای که اسلام شیعی در ایران شکل گرفت و در بخش مهمی از ایران فرهنگی استقرار یافت و در قالب امپراتوری شیعی صفوی در برابر امپراتوری سنی عثمانی صف‌آرایی کرد. او در پایان نتیجه‌گیری‌های خود را با تحولات معاصر جهان و پویایی اندیشه سیاسی اسلام و دگرگونی‌های عرفی در جهان اسلام معاصر مرتبط ساخته است. در حالی که این امر با تمرکز تاریخی پژوهش که صرفاً تا دوران هجوم مغولان را در برمی‌گیرد، منافات دارد.

به لحاظ نقد مبنایی و درون ساختاری نیز نقدهای فراوانی بر کتاب وارد است: فقدان چارچوب نظری مشخص، روش‌شناسی و روش تحقیق دقیق، و مدل مفهومی روشن و شفاف، آشکارا احساس می‌شود. یک طرح کلان پژوهشی که داعیه تبیین‌های بنیادین دارد. اما از فقدان چارچوب نظری رنج می‌برد.

نویسنده از منابع اهل سنت بهره‌افری برده و به منابع شیعی، به ویژه منابع اصیل و دست اول تشیع کم‌توجهی نموده است. بنابراین، میان منابع کتاب تعادل و توازن قابل قبولی وجود ندارد. این عدم موازنه رویکرد بی‌طرفانه نویسنده را به چالش می‌کشد. برداشت علمی و استنتاج نظری کتاب نیز قابل پرسش است. زیرا برداشت دقیق و واقعی از داده‌ها و تبیین‌های علمی کتاب دور از دسترس مخاطب باقی می‌ماند. نویسنده برداشتی نادرست از علل و عوامل سیاسی و اجتماعی فرقه‌گرایی در تاریخ اسلام دارد. این رویکرد گزینشی باعث درک نادرستی از بن‌مایه‌های کلامی شیعه شده و آن را به معیارهای خونی و تبارشناختی امامان شیعی از یک سو و ملاک‌های قومی، قبیله‌ای و جغرافیایی فرق مختلف شیعی از سوی دیگر تقلیل می‌دهد.

در این فرایند جامعه‌شناسانه تاریخی و تحلیلی، به جای بذل توجه کافی به اصول و مبانی قرآنی و آیات و روایات و احادیث معصومین و بررسی معیارهای شایستگی فردی و صلاحیت علمی، اخلاقی و عقلائی معصومین (عقلانیت، علم، عدالت و تقوا) که معیارهای بنیادین مذهب تشیع هستند، بر ملاک‌های قومی و قبیله‌ای و پیشینه تبارشناختی آنها تکیه کرده و از تحلیل و تبیین‌های منطقی، عقلائی، علمی دور مانده است. (کرون، ۱۳۸۹، ۱۳۴) وی تحلیلی شاذ و برداشتی بسیار استثنایی از مظلومیت امام دوم شیعیان ارایه داده که نادرستی آن بر مخاطب آگاه روشن است. (کرون، ۱۳۸۹، ۱۳۵) نقد دیگر، انتصاب مکتب تشیع به رویکرد گنوسی در جهان شرق است که تلاشی بیهوده و بی‌حاصل است. چون به لحاظ نظری امکان برقراری ارتباط میان آن‌ها وجود ندارد. (کرون، ۱۳۸۹، ۱۵۲) از سوی

دیگر، نقش غالیان شیعی را در تاریخ اندیشه سیاسی اسلام و سیر تحول اندیشه سیاسی مسلمانان برجسته ساخته است. (کرون، ۱۳۸۹، ۱۵۵)

نویسنده وجه این همانی میان مقوله امامت و رهبری امت اسلامی از یک سو و سیاست و حکومت بر جامعه اسلامی از سوی دیگر برقرار نموده و معیار امامت و رهبری امت را صرفاً در فعالیت سیاسی خلاصه نموده است. بنابراین، به این نتیجه‌گیری مخدوش رسیده است که پس از شهادت امام سوم تا پایان امامت امام جعفر صادق(ع) دوران فترت سیاست‌ورزی و مداخله در امور سیاسی امامان شیعه تلقی می‌گردد. بدین سان، تنها امام موسی کاظم(ع) با ورود به عرصه سیاست و حمایت مستقیم از قیام زیدیان و جنبش اعتراضی فخر سیاسی عمل کرد. (کرون، ۱۳۸۹، ۲۰۵) در حالی که واقعیات تاریخی بیانگر رویکرد سیاسی همه امامان شیعه در قبال حکام جور و غضب است. حتی امام چهارم که بیشتر عمر خویش را به عبادت و دعا پرداخت، دعاوی سیاسی امامت را در قالب دعا و نیایش بیان می‌کرد که در صحیفه سجادیه گردآوری شده است. عملکرد سیاسی امام محمدباقر در سلب مشروعیت از خاندان اموی و نقش امام جعفر صادق در زوال امویان و حاکمیت عباسیان و گذار از عصر اموی به عصر عباسی قابل انکار نیست. این خاندان عباسی بودند که بر خلاف خواسته عمومی مسلمانان عمل نموده و حق حاکمیت سیاسی خاندان هاشمی و امام ششم را سلب و جایگاه حکومت اسلامی را غضب نمودند.

به طور کلی، برداشت نویسنده از رویکرد سیاسی (بی طرفانه) امام محمدباقر(ع) و امام جعفر صادق(ع) درست نیست. وی فقدان هر گونه نقش سیاسی در نزد آن دو امام شاخص شیعیان را برجسته ساخته و بر این باور است که امامان پنجم و ششم شیعیان نقش سیاسی و اجتماعی و رویکرد سیاسی خاصی نسبت به حکومتداری نداشتند. (کرون، ۱۳۸۹، ۲۰۱-۲۰۳) در حالی که نقش آنان در زمینه‌سازی فکری و عقیدتی برای فعالیت سیاسی امامان بعدی و آماده‌سازی بستر علمی و فرهنگی رشد و گسترش تشیع آشکار است. در منابع تاریخی نیز بر نقش فرهنگی و سیاسی تأثیرگذار این دو امام دانشمند در مهیاسازی بسترهای فکری و مبانی نظری و ساختار عقیدتی فقه سیاسی شیعه و تثبیت مکتب تشیع تأکید شده است.

کرون درک صحیحی از جایگاه معنوی و سیاسی امامت در مکتب شیعی ندارد و برداشت مادی‌گرایانه، عرفی و عینی از غیبت امام دوازدهم شیعیان ارایه می‌دهد؛ به گونه‌ای فلسفه و هدف غیبت را درک نکرده است. (کرون، ۱۳۸۹، ۲۱۱-۲۱۰) او مساله غیبت را در

مقایسه با سیاست‌گریزی مسیح و مذهب مسیحیت و واگذاری داوطلبانه قدرت به قیصر تحلیل می‌کند (کرون، ۱۳۸۹، ۲۱۲) و اصل مسیحی دو شمشیر (کلیسا و حکومت) را بر مهدویت و غیبت امام دوازدهم شیعیان تحمیل می‌نماید: آنچه را که به قیصر مربوط است به قیصر بسپارید و آنچه را به مسیح و کلیسا مربوط است به آنان دهید. وی پای از دایره قیاس بی‌ربط فراتر نهاده و مسأله غیبت را به دوران اموی نسبت می‌دهد و هادی را به منزله کلی هدایت شده تلقی می‌نماید.

نویسنده برخی نسبت‌های ناروا به شیعیان و اندیشه‌های سیاسی و اجتماعی آنان می‌دهد و آنان را در مقوله سیاست‌گریزی با مسیحیان مشابه می‌داند. به نظر امامیان

شرع و اخلاق هیچ‌گاه دیگر بار با قدرت سیاسی جمع نخواهد شد و باید یکی از آن‌ها را برگزید. از نظر امامیان کسانی که به دنبال قدرت سیاسی هستند آن چنان دلبسته منافع این جهانی خود می‌شوند که نمی‌توانند در اندیشه صواب و خطا باشند. بنابراین، بهتر آن است که مؤمنان سیاست را به قدرت‌پیشگان واگذارند و بکوشند جامعه‌ای غیرسیاسی را شکل دهند که از آن خودشان باشد و در آن زندگانی صالحی داشته باشند. در واقع، کار مسیح به مسیح واگذار می‌شود و کار قیصر به قیصر، اما نه به این دلیل که این عمل چنان‌که در غرب امروز خوب و درست تلقی می‌شود، بلکه به این دلیل که این بهترین کاری است که در چنین شرایطی می‌توان صورت داد. (کرون، ۱۳۸۹، ۴۲۸)

در حالی که تاریخ اندیشه و عمل سیاسی شیعیان نشان می‌دهد که این برداشت نسبتی با واقعیات تاریخی ندارد.

نویسنده به واقعیت تحول عظیم در رهیافت‌ها و نظریه‌های سیاسی شیعه در دوران صفویه و پس از آن در ایران اذعان دارد و صورت‌بندی نظریه ولایت فقیه توسط امام خمینی و حاکمیت سیاسی آن در ایران پس از انقلاب اسلامی می‌پذیرد. اما از بررسی و تبیین این دو دوره تاریخی که دوران تجدید حیات مکتب شیعه تلقی می‌شوند، طرفه می‌رود. این رویکرد با توجه به تمرکز تاریخی پژوهش قابل درک است. شاید وی می‌توانست از اشاره به این دوران تاریخی پرهیز نماید و بر انتظار مخاطبان نیفزاید.

نویسنده دیدگاه‌های زکریای رازی را به طور غلوآمیزی تحلیل نموده و نسبت‌های نادرستی به ایشان وارد کرده است. حتی او را مخالف اصل نبوت و پیامبران و ادیان الهی معرفی و قلمداد نموده است:

محمد بن زکریای رازی (درگذشت : ۹۲۵/۳۱۳) طیب و فیلسوف نامدار، دین و حیانی را نادرست و مردود دانسته بود. او معتقد بود که تنها یک حقیقت نجات دهنده وجود دارد و آن هم فلسفه است که به یکسان در دسترس همه است و هم نخبگان و هم مردم عادی می‌توانند از آن بهره‌مند شوند. خداوند با اعطای نیروی الهام به همه مردم این توانایی را به آنان داده که راه رستگاری خود را بیابند. (کرون، ۱۳۸۹، ۲۹۴)

این الهام الهی یکسان شبیه غریزه است و حیوانات و انسان‌ها با اتکا به آن خوب و بد را تشخیص می‌دهند. بنابراین، «از نظر او پیامبران فریبکارانی بوده‌اند که با نیرنگ و تردستی مردم را فریفته‌اند» (کرون، ۱۳۸۹، ۲۹۴) به نظر کرون، سرخسی از نخستین فلاسفه تمدن اسلامی نیز در کتابی با عنوان اسرار فریبکاران، از پیامبران انتقاد کرده است و متکلم خردگرا، ابن راوندی نیز با استناد به قول حکمای هند و برهمنان، معجزات پیامبران را حيله و ترفند خوانده و شریعت و حیانی را بی‌اعتبار و مردود دانسته است. زیرا اگر این شریعت با عقل و منطق همخوان باشد، زاید و غیرلازم است و اگر با آن ناهمخوان باشد، نادرست و خطا است. (کرون، ۱۳۸۹، ۲۹۴) در این میان، ارزیابی و داوری کرون در باره رازی به هیچ منبعی مستند نشده است و اظهار نظرش در باره عقاید و عملکرد دو نفر اخیر مستند به منابع اصیل و دست اول یا منابع خود آنان نیست. مورد سرخسی از روزنتال نقل قول شده و مورد ابن راوندی هم به استناد اثر کراوس بیان می‌شود و این با روش‌های دقیق علمی و پژوهشی و رویکرد اخلاقی - علمی کرون سازگار نیست.

نویسنده درک صحیحی از مساله بردگی در اسلام ندارد و برداشت نادرستی از پدیده بردگی از دیدگاه قرآن ارایه داده است و این بیانگر نقصان مطالعات و پژوهش‌های وی است. «قرآن بردگی را واقعیتهای موجود می‌داند و همچون برخی دیگر از واقعیتهای اجتماعی از کنار آن می‌گذرد. هیچ دلیلی در دست نداریم که پیامبر در صدد الغای بردگی بوده است.» (کرون، ۱۳۸۹، ۵۸۷) از دیدگاه نویسنده الغای بردگی اندیشه دوران جدید است و در صدر اسلام مطرح نبوده است. بنابراین، نویسنده بردگی در صدر اسلام را در پرتو اندیشه‌های مدرن تحلیل کرده است. (کرون، ۱۳۸۹، ۵۸۷) در حالی که شیوه برخورد پیامبر اعظم و علی (ع) با بردگان و اسیران جنگی و آزادی آنان در قبال آموختن سواد به مسلمانان، برای اثبات بطلان نظریه کرون کافی است. کرون دیدگاه حضرت علی (ع) نسبت به بردگی را نیز به درستی درک نکرده و به تعبیر بزدادی استناد می‌کند: «بردگی کیفر خدانشناسی برخی از مردم است» (کرون، ۱۳۸۹، ۵۹۱) کلینی از علی (ع) نقل کرده است:

«حضرت آدم غلام یا کنیز به دنیا نیاورد و همه مردم آزادند» اما «خداوند برخی را برده دیگران قرار داده است و همگان باید در سختی‌ها صبور و شکیبا باشند.» (کرون، ۱۳۸۹، ۵۹۱) این سخن کرون به همان دیدگاه رایج در باب بردگی بازمی‌گردد و نشانه این واقعیت است که برابری نژادی و قومی در اسلام به مسأله مهمی تبدیل شده است.

در باره این روایت چند نکته قابل ذکر است: نخست، میزان صحت و وثوق آن که باید از کافی، جلد ۸، ص ۶۹، ش ۲۶ بررسی می‌شد و هنگام بررسی و تحقیق چنین چیزی مشاهده نگردید. دوم، تناقض میان دو بخش روایت است که اصالت آن را به چالش می‌کشد. سوم، این روایت با رویکرد نظری و سیره عملی عدالت‌خواهانه امام اول شیعیان تناسبی ندارد. بدین ترتیب، یا نویسنده مطالعه کافی و شناخت دقیقی از جایگاه بردگی در سیر تحول اندیشه سیاسی اسلام و دگرگونی جامعه‌شناختی جوامع اسلامی ندارد یا غرض‌ورزانه به تحلیل و تبیین این موضوع پرداخته است.

به طور کلی، در ابعاد مختلف پژوهش تاریخی، تجزیه و تحلیل کامل و تبیین مناسبی از سیر تحول اندیشه سیاسی در اسلام، به ویژه اندیشه سیاسی شیعه صورت نگرفته است. ح این تحقیق با چالش‌های اساسی رو به رو و آسیب‌پذیر است. چون نویسنده شناخت دقیقی از مبانی نظری و اندیشه سیاسی در اسلام و مذهب شیعه ندارد. بنابراین، صرفاً به تحلیل جامعه‌شناسی تاریخی اندیشه سیاسی در اسلام بسنده کرده است. در فرایند این جامعه‌شناسی تاریخی، اسلام را دینی جنگجو و آئینی خشونت‌طلب و کشورگشا تلقی می‌کند که فقط با اتکا به زور بازوی جنگجویان مسلمان و قدرت شمشیر سپاهیان مسلمان به کشورگشایی و فتح سرزمین‌های همسایه پرداخته است. بدون آن که آرمان‌های الهی، انگیزه‌های دینی، باورهای قلبی، ارزش‌های معنوی، ایمان‌خلل‌ناپذیر و اهداف متعالی مؤمنان و جهادگران مسلمان در نظر گرفته شود و نقش بنیادین جهاد عقیدتی به درستی بررسی، تحلیل و تبیین شود. به همین سان، وی برداشتی درست از مقدس بودن جهاد در نزد مسلمانان ندارد و بر این باور است که واژه جهاد جای قتال (جنگ) را گرفته است. وی جنبه‌های آئینی جهاد را که آن را از امور دنیوی متمایز می‌سازد، نفی می‌کند. (کرون، ۱۳۸۹، ۶۰۸-۶۰۷)

به طور کلی، نویسنده گاه و بی‌گاه و در بخش چهارم، به ترویج این دیدگاه پرداخته که دین اسلام دین خشونت، جنگ و جهاد است و تنها با زور شمشیر جهادگران مسلمان گسترش یافته است. بنابراین، ایمان قلبی، باورهای عقیدتی و ارزش‌های معنوی و

هنجارهای سیاسی و اجتماعی عدالت‌جویانه نقش چندانی در فرایند گسترش حوزه نفوذ اسلام و گرایش مردم به آن نداشته است. (کرون، ۱۳۸۹، ۶۳۰-۶۰۶) بدین سان، کرون تسلط کافی و وافی بر همه منابع تاریخی اسلام، به ویژه منابع اصیل و دست اول شیعی ندارد. در نتیجه، در بیان برخی از آرای خود در باره شیعیان محتاطانه عمل کرده و از صراحت لهجه کافی برخوردار نیست. گاهی استنتاج‌های نظری وی در باره شیعه با واقعیات تاریخی شیعیان سازگاری ندارد و چندان قابل اعتماد نیست. به طور مثال، وی درک درستی از عوامل فرهنگی و اجتماعی تأثیرگذار ایران فرهنگی بر رشد تدریجی مذهب شیعه به مثابه اسلام ایرانی ندارد.

۶. نتیجه‌گیری و پیشنهاد

این مقاله با معرفی کتاب **تاریخ اندیشه سیاسی در اسلام** و ارزیابی روش علمی، رویکرد نظری و داده‌های تاریخی و محتوای تبیینی آن، در مسیر معرفی نقاط قوت و بیان نقاط ضعف و کاستی‌هایش تلاش نموده است. هر اثری در کنار قوت‌های نظری، روشی، محتوایی و شکلی، از ضعف‌هایی نیز برخوردار است. مهم سیطره نقاط قوت بر نقاط ضعف احتمالی و ناچیز بودن کاستی‌ها در برابر ارزش‌های کتاب است. بیان کاستی‌ها و ضعف‌های کتاب صرفاً در جهت بهبود و تقویت آن است که می‌تواند با نگارش پاروقی‌های توضیحی بیشتر توسط مترجم در چاپ‌های آتی صورت پذیرد.

این مقاله انتقادی در پنج بند جداگانه سامان یافته است: پس از چکیده و معرفی واژگان کلیدی، نخست درآمد نظری و دوم مهمترین سرفصل‌های مطالب کتاب معرفی گردید. در بند سوم، فرازهای مهمی از مطالب اثر انتخاب و تقدیم خوانندگان شد تا آگاهی نسبی از محتوای کتاب حاصل شود. در بند چهارم، نقد شکلی، روشی و محتوایی اثر سامان گرفت که مهمترین بخش آن در حول محور انتقادات روشی و محتوایی قرار دارد. در کنار این نقد پیشنهادهای سازنده و اصلاحی برای بهبود روشی و محتوایی اثر ارائه شد.

کرون با اشراف مثال‌زدنی به منابع اصیل و دست دوم تاریخ اندیشه سیاسی در اسلام، اثری روشمند و متنی دانشگاهی پدید آورده و تحلیل‌های تازه و نتیجه‌گیری‌های بدیعی ارائه داده است. علاوه بر نگاه تحلیلی نو، مفاهیم انتزاعی را در بافت و موقعیت تاریخی خود قرار داده و به آن‌ها کیفیتی عینی و انضمامی بخشیده است. او انبوهی از داده‌های تاریخی، فلسفی، کلامی و فقهی در باره تاریخ اندیشه سیاسی در اسلام را فراهم آورده

است. اما متأسفانه به دلیل غلبه رویکرد شرقشناسانه در بررسی تاریخ اندیشه سیاسی اسلام از سویی، و درک نادرست مبانی شریعت اسلام و به ویژه حقیقت ناب تشیع، تبیین دقیقی از جامعه‌شناسی تاریخی اسلام ارایه نکرده است. بنابراین، تحلیل‌های تاریخی و تبیین‌های جامعه‌شناختی و نتیجه‌گیری‌های نظری وی در مواردی گوناگونی با دیدگاه علمای شیعی منطبق نیست و با اندیشه‌های بومی جهان اسلام و روایت‌های رسمی در ایران سازگاری ندارد. بنابراین قابل نقد است.

کتاب‌نامه

- آرنت، هانا، ۱۳۸۸، میان گذشته و آینده: هشت تمرین در اندیشه‌ی سیاسی، ترجمه سعید مقدم، تهران: اختران.
- آلن، جان، ۱۳۸۸، درآمدی بر فهم جامعه‌ی مدرن: اشکال سیاسی و اقتصادی مدرنیته: فورديسم و صنعت مدرن، ترجمه محمود متحد، تهران: نشر آگه.
- باربیه، موریس، ۱۳۹۲، مدرنیته ی سیاسی، ترجمه عبدالوهاب احمدی، تهران: نشر آگه.
- برسford فاستر، مایکل، ۱۳۹۲، خداوندان اندیشه سیاسی: قسمت اول: افلاطون، ارسطو، ترجمه جواد شیخ‌الاسلامی، تهران: امیرکبیر.
- برسford فاستر، مایکل، ۱۳۹۲، خداوندان اندیشه سیاسی: قسمت دوم: سیسرون، آگوستین، توماس آکویناس، ماکیاول، ترجمه جواد شیخ‌الاسلامی، تهران: امیرکبیر.
- بستانی، احمد، ۱۳۹۰، «تاریخ اندیشه» یا «اندیشه»؛ مسأله این است، نقد و بررسی کتاب تاریخ اندیشه سیاسی در اسلام، مهرنامه، شماره ۱۴، مرداد ۱۳۹۰.
- بشیریه، حسین، ۱۳۹۱، تاریخ اندیشه‌های سیاسی در قرن بیستم: اندیشه‌های مارکسیستی، تهران: نشر نی.
- بشیریه، حسین، ۱۳۹۲، تاریخ اندیشه‌های سیاسی در قرن بیستم: لیبرالیسم و محافظه‌کاری، تهران: نشر نی.
- بلک، آنتونی، ۱۳۸۷، تاریخ اندیشه سیاسی اسلام: از عصر پیامبر تا امروز، ترجمه محمدحسین وقار، تهران: اطلاعات.
- بهنام، جمشید، ۱۳۸۳، ایرانیان و اندیشه تجدد، چاپ دوم، تهران: نشر و پژوهش فرزاد روز.
- پولادی، کمال، ۱۳۹۱، تاریخ اندیشه سیاسی در غرب: از ماکیاولی تا مارکس، تهران: نشر مرکز.
- پولادی، کمال، ۱۳۹۱، تاریخ اندیشه سیاسی در غرب: قرن بیستم، تهران: نشر مرکز.
- پولادی، کمال، ۱۳۹۲، اندیشه سیاسی در غرب: از سقراط تا ماکیاولی (یونان باستان و سده‌های میانه)، تهران: نشر مرکز.

- پولادی، کمال، ۱۳۹۲، تاریخ اندیشه سیاسی در ایران و اسلام، تهران: نشر مرکز.
- تاجیک نشاطیه، نرگس، ۱۳۹۰، اخلاق و سیاست در اندیشه سقراط تاریخی، تهران: نگاه معاصر.
- تیجانی، عبدالقادر حامد، ۱۳۹۲، مبانی اندیشه سیاسی در آیات مکی، ترجمه مهراں اسماعیلی و مشتاق حلو، تهران: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- جائز، آنتونی اچ، و نلی لاهود، ۱۳۹۰، اسلام در سیاست بین الملل، ترجمه رضا سیمبر، تهران: سازمان عقیدتی سیاسی نیروی انتظامی و دانشگاه امام صادق.
- حاتمی، محمدرضا، ۱۳۸۹، مبانی مشروعیت در اندیشه سیاسی شیعه، تهران: علوم و فنون رازی.
- حسن، حسن عباس، ۱۳۸۹، ساختار منطقی اندیشه سیاسی اسلام، ترجمه مصطفی فضائلی، قم: بوستان کتاب.
- حسینی بهشتی، سیدعلیرضا، ۱۳۸۳، جستارهایی در شناخت اندیشه سیاسی معاصر غرب، تهران: موسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی.
- حقیقت، صادق، ۱۳۸۹، مبانی اندیشه سیاسی در اسلام، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت) و مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی.
- حقیقی، محمود، ۱۳۸۵، اندیشه سیاسی در اسلام و ایران، تهران: گرایش.
- حلبی، علی اصغر، ۱۳۸۸، تاریخ اندیشه های سیاسی در ایران و اسلام، تهران: اساطیر.
- حلبی، علی اصغر، ۱۳۸۸، مبانی اندیشه های سیاسی در ایران و جهان اسلامی، تهران: زوار.
- خراسانی، رضا، ۱۳۸۳، اخلاق و سیاست در اندیشه سیاسی اسلام، قم: بوستان کتاب قم.
- خلجی، عباس، ۱۳۸۶، معرفی کتاب «تاریخ اندیشه سیاسی اسلام»، دوفصلنامه نامه علوم انسانی، دوفصلنامه شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی، شماره ۱۶، تابستان و پاییز ۸۶، ویژه علوم سیاسی، صص ۱۵۵-۱۵۸.
- خلجی، عباس، ۱۳۸۶، معرفی کتاب «روش شناسی در مطالعات سیاسی اسلام»، دوفصلنامه نامه علوم انسانی، دوفصلنامه شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی، شماره ۱۶، تابستان و پاییز ۸۶، ویژه علوم سیاسی، صص ۱۵۹-۱۶۹.
- خلجی، عباس، ۱۳۸۹، اندیشه سیاسی اسلام یا اندیشه سیاسی اهل سنت؟ معرفی و نقد کتاب اندیشه سیاسی اسلام در سده های میانه، فصلنامه سیاست، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۴۰، شماره ۱، پاییز ۱۳۸۹، صص
- رضایی راد، محمدرضا، ۱۳۹۰، مبانی اندیشه سیاسی در خرد مزدایی (اندیشه سیاسی در ایران پیش از اسلام)، تهران: طرح نو.
- روحانی، حسن، ۱۳۸۹، اندیشه های سیاسی اسلام: سیاست خارجی، تهران: کمیل.
- روحانی، حسن، ۱۳۸۹، اندیشه های سیاسی اسلام: مبانی نظری، تهران: کمیل.
- روحانی، حسن، ۱۳۸۹، اندیشه های سیاسی اسلام: مسائل فرهنگی و اجتماعی، تهران: کمیل.

۱۷۶ پرتویی نو بر اندیشه سیاسی اسلام؛ نقد کتاب «تاریخ اندیشه سیاسی در اسلام»

- روزبه، محمدحسن، ۱۳۸۵، مبانی مشروعیت در نظام سیاسی اسلام، تهران: کانون اندیشه جوان.
- روزنتال، اروین آیزاک یاکوب، ۱۳۸۷، اندیشه‌ی سیاسی اسلام در سده‌های میانه: طرحی مقدماتی، ترجمه علی اردستانی، تهران: نشر قومس.
- زارع، حامد، ۱۳۹۰، «من مورخ هستم، متفکر نیستم؛ گفت‌وگو با پاتریشیا کرون در باره تاریخ‌نگاری شرق‌شناسانه از اندیشه سیاسی اسلام»، مهرنامه، شماره ۱۴، مرداد ۱۳۹۰.
- زارع، حامد، ۱۳۹۰، «مورخ عرفی، تاریخ قدسی؛ تورق کتاب تاریخ اندیشه سیاسی در اسلام پاتریشیا کرون»، مهرنامه، شماره ۱۴، مرداد ۱۳۹۰.
- سالاری، مریم، ۱۳۹۰، اندیشه‌های سیاسی (غرب قرن بیستم اسلام) مجموعه علوم سیاسی، تهران: مکتب ماهان.
- سالاری، مریم، عباس کاکایی، و امید روشناس، ۱۳۹۲، اندیشه‌های سیاسی غرب و اسلام، تهران: مهر سبحان.
- ستوده، هدایت‌الله، ۱۳۸۲، تاریخ اندیشه‌های اجتماعی در اسلام، تهران: آوای نور.
- شریعت، فرشاد، ۱۳۸۶، مبانی اندیشه سیاسی در غرب: از سقراط تا مارکس، تهران: نشر نی.
- شریعتمدار، سیدمحمدرضا، ۱۳۸۷، درآمدی بر فلسفه سیاسی اسلام، تهران: کانون اندیشه جوان.
- شمس‌الدینی، سعید، ۱۳۸۹، سیری در اندیشه‌های سیاسی اسلام و غرب، تهران: نقش گستران.
- صلاحی، ملک یحیی، ۱۳۹۰، اندیشه‌های سیاسی غرب در قرن بیستم، تهران: قومس.
- طاهری، ابوالقاسم، ۱۳۹۱، تاریخ اندیشه‌های سیاسی در غرب، تهران: قومس.
- طاهری، ابوالقاسم، و منوچهر مقصدولو، ۱۳۸۸، اندیشه‌های سیاسی در غرب، تهران: سنجش (وابسته به موسسه فرهنگی هنری سنجش).
- طباطبایی، سید جواد، ۱۳۸۲، درآمدی فلسفی بر تاریخ اندیشه سیاسی در ایران، چاپ ششم، تهران: کویر.
- طباطبایی، سید جواد، ۱۳۸۴، تاملی درباره ایران، جلد نخست، دیباچه‌ای بر انحطاط ایران، چاپ چهارم، تهران: نشر نگاه معاصر.
- طباطبایی، سید جواد، ۱۳۸۴، زوال اندیشه سیاسی در ایران: گفتار در مبانی نظری انحطاط ایران، چاپ چهارم، تهران: کویر.
- طباطبایی، سید جواد، ۱۳۹۰، جدال قدیم و جدید از نوزایش تا انقلاب فرانسه: تاریخ اندیشه سیاسی جدید در اروپا، چاپ، تهران: نشر ثالث.
- عالم، عبدالرحمن، ۱۳۷۳، بنیادهای علم سیاست، تهران: نشر نی.
- علیخانی، علی اکبر، ۱۳۸۶، روش‌شناسی در مطالعات سیاسی اسلام، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- علیخانی، علی اکبر، ۱۳۸۸، درآمدی بر نظریه سیاسی عدالت در اسلام، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی و دانشگاه امام صادق (ع)، مرکز تحقیقات.

عمید زنجانی، عباسعلی، ۱۳۸۴، فقه سیاسی: اندیشه سیاسی در جهان اسلام معاصر، تهران: امیرکبیر.
عمید زنجانی، عباسعلی، ۱۳۹۰، مبانی اندیشه سیاسی اسلام، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

عنایت، حمید، ۱۳۶۲، اندیشه سیاسی در اسلام معاصر، ترجمه بهاءالدین خرمشاهی، تهران: خوارزمی
عنایت، حمید، ۱۳۸۵، نهادها و اندیشه های سیاسی در ایران و اسلام، صادق زیباکلام (مصحح)، تهران: نشر روزنه.

فتحعلی، محمود، ۱۳۹۰، مبانی اندیشه اسلامی: درآمدی بر نظام ارزشی و سیاسی اسلام، قم: موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).

فولادوند، عزت‌الله، ۱۳۹۲، فلسفه و جامعه و سیاست، تهران: ماهی.

فیرحی، داود، ۱۳۸۷، روش شناسی دانش سیاسی در تمدن اسلامی، پژوهشکده علوم و اندیشه سیاسی، تهران: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

فیرحی، داود، ۱۳۹۲، نظام سیاسی و دولت در اسلام، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).

قادری، حاتم، ۱۳۸۹، اندیشه های سیاسی در اسلام و ایران، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).

قادری، حاتم، ۱۳۹۲، اندیشه‌های سیاسی در قرن بیستم، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).

کرون، پاتریشیا، ۱۳۸۹، تاریخ اندیشه سیاسی اسلام، ترجمه مسعود جعفری، تهران: انتشارات سخن.

گلدمن، لوسین، ۱۳۸۸، فلسفه‌ی روشنگری، شیوا کاویانی، تهران: اختران.

محمصانی، صبحی رجب، ۱۳۸۶، فلسفه قانونگذاری در اسلام، ترجمه، اسماعیل گلستانی، تهران: آثار اندیشه.

مک کالوم، جرالڈ کوشینگ، ۱۳۹۳، فلسفه سیاسی، ترجمه بهروز جندقی، تهران: کتاب طه (وابسته به موسسه فرهنگی طه).

منسبریچ، جین، و سوزان مولراوکین، ویل کیملیکا، ۱۳۸۷، دو جستار در باره فلسفه سیاسی فمینیسم، ترجمه نیلوفر مهدیان، تهران: نشر نی.

موسوی، سید محمد، ۱۳۹۱، مبانی اندیشه سیاسی در اسلام (رشته علوم سیاسی)، تهران: دانشگاه پیام نور.

موسوی، سیدمحمد، ۱۳۸۷، دیپلماسی و رفتار سیاسی در اسلام، : باز.

موسوی، سیدمحمد، ۱۳۸۷، نظام سیاسی و دولت در اسلام، تهران: حدیث امروز.

میراحمدی، منصور، ۱۳۸۱، آزادی در فلسفه سیاسی اسلام، قم: بوستان کتاب قم.

۱۷۸ پرتویی نو بر اندیشه سیاسی اسلام؛ نقد کتاب «تاریخ اندیشه سیاسی در اسلام»

میرموسوی، سیدعلی، ۱۳۹۲، اسلام، سنت، دولت مدرن: نوسازی دولت و تحول در اندیشه سیاسی معاصر شیعه، تهران: نشر نی.

نجفی، موسی، ۱۳۸۱، مدخلی بر تاریخ اندیشه سیاسی در اسلام و ایران، تهران: فراندیش.

وینسنت، اندرو، ۱۳۹۲، نظریه‌های دولت، ترجمه حسین بشیریه، تهران: نشر نی

هضیبی، مامون، ۱۳۸۳، سیستم سیاسی در اسلام، ترجمه محمد ملازاده، تهران: احسان.

Crone, Patricia, 2005, medieval Islamic Political thought : Edinburgh university press.